

فرا تر از خبر

هشدار مارک مونتهگمری: آمریکا محور ایران، روسیه، چین و کره شمالی را دستکم گرفته است

الکس رئوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، پس از رژه نظامی روز پیروزی در ۹ مه ۲۰۲۵ در مرکز مسکو، در میدان سرخ با سربازان کره شمالی دیدار و احوال‌پرسی می‌کند

همکاری راهبردی روبه‌گسترش میان چین، روسیه، ایران و کره شمالی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی پیش روی ایالات متحده و متحدانش تبدیل شده است.

دربار بازنشسته مارک مونتهگمری و دو همکارش، بردلی بومن و الین دزنسکی، در کتابی که به‌تازگی با عنوان «محور متجاوزان» (Axis of Aggressors) منتشر کرده‌اند، بیش از ۶۰۰ نمونه از همکاری این چهار حکومت اقتدارگرا را مستند کرده‌اند. به اعتقاد نویسندگان، این همکاری تنها به حوزه نظامی محدود نمی‌شود بلکه فناوری، اقتصاد و فضای سایبری را نیز در بر می‌گیرد.

مارک مونتهگمری، مدیر ارشد «مرکز نوآوری در فناوری و امنیت سایبری» و پژوهشگر ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، معتقد است کشورهای غربی همچنان هم ابعاد واقعی این همگرایی و هم خطرهای ناشی از آن را دستکم می‌گیرند.



مارک مونتگمری

رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی با مونتگمری دربارهٔ جنگ اوکراین، ایران، احتمال هم‌زمانی چند درگیری و آمادگی ارتش آمریکا برای چنین سناریویی گفت‌وگو کرده است.

رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی: آیا آمریکا سه کشور چین، روسیه، ایران و کره شمالی را به‌عنوان یک محور واحدِ اقتدارگرا و همچنین هماهنگی میان آن‌ها را دست‌کم می‌گیرد؟

مارک مونتگمری: تا حد زیادی بله. ما سطح هماهنگی میان این کشورها را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنیم و به همین دلیل، واکنش‌های ما به اقدامات مشترک آن‌ها اغلب کافی نیست. نمونهٔ روشن آن را می‌توان در جنگ اوکراین دید.

اوکراین عملاً هم‌زمان با روسیه، ایران، کره شمالی و چین در حال جنگ است. ایران نه‌تنها هزاران پهپاد «شاهد» در اختیار روسیه گذاشته، بلکه فناوری ساخت آن‌ها را نیز به این کشور منتقل کرده است، به‌طوری‌که روسیه اکنون پهپادهایی با طراحی ایرانی تولید می‌کند.

کره شمالی ۱۲ هزار سرباز اعزام کرده و معمولاً توجه‌ها روی همین موضوع متمرکز می‌شود، اما این کشور همچنین بین پنج تا شش میلیون گلولهٔ توپخانه و خمپاره در اختیار روسیه گذاشته است؛ رقمی که از مجموع تولید ناتو در چند دههٔ گذشته هم بیشتر است.

از سوی دیگر، چین با تأمین قطعات ریزالکترونیکی مورد نیاز برای تولید موشک‌های بالستیک، هایپرسونیک و کروز، عملاً پشتوانهٔ جنگ روسیه است؛ همان موشک‌هایی که امروز کی‌یف را هدف قرار می‌دهند.

در نتیجه، اوکراین ناچار است هم‌زمان با هر چهار کشور مقابله کند. ایالات متحده، حتی در دوران دولت بایدن، با تأخیر فراوان سامانه‌های تسلیحاتی مناسب با برد لازم را در اختیار اوکراین گذاشت و هرگز نیروهای آمریکایی را برای آموزش در داخل خاک اوکراین مستقر نکرد. دونالد ترامپ نیز حتی از این کمتر انجام داده و میزان کمک‌های امنیتی را نسبت به دولت بایدن ۹۹ درصد کاهش داده است.

همین الگو را، زمانی که آمریکا با ایران روبه‌رو می‌شود، در اروپا هم می‌بینیم. ایران یک حکومت اقتدارگرا با ۴۷ سال سابقه است که تقریباً در تمام این مدت از تروریسم حمایت کرده است. این حکومت بیش از هزار نظامی آمریکایی را در عراق و افغانستان کشته، حدود ۵۰۰ نیروی ناتو را از بین برده و در حملات تروریستی، صدها شهروند اروپایی را نیز کشته است. از گروه‌های نیابتی مانند حوثی‌ها، حزب‌الله و گروه‌های مسلح در عراق و سوریه حمایت می‌کند و در عین حال، ظرف یکی دو روز، بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم خود را نیز کشته است.

با این حال، اروپا همچنان این رویارویی را نبردی میان دو طرف هم‌سطح، یعنی ایران و آمریکا، تلقی می‌کند. این نگاه کاملاً بی‌معناست. ایران از حمایت روسیه برخوردار است، چین پشت آن ایستاده و در گذشته نیز کره شمالی از آن حمایت کرده است. با این حال، هنوز هم نتوانسته‌ایم اروپا را برای همراهی با خود در برابر ایران قانع کنیم.

بارها دربارهٔ خطر هم‌زمان شدن چند بحران و کشیده شدن نیروهای آمریکا به چند جبهه هشدار داده‌اید. پنتاگون تا چه اندازه به نقطه‌ای نزدیک شده که دیگر نتواند هم‌زمان از عهدهٔ مدیریت دو یا سه جنگ برآید؟

در این جا دو موضوع اساسی وجود دارد. نخست، ساختار نیروها؛ یعنی تعداد ناوها، اسکادران‌های هوایی، تانک‌ها و گردان‌ها. دوم، ذخایر مهمات.

از نظر ساختار نیروها، وضعیت ما نسبتاً بهتر است. تا حدی به توانایی مدیریت هم‌زمان چند درگیری نزدیک شده‌ایم، اما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم. به سرمایه‌گذاری بیشتر و افزایش بودجه دفاعی نیاز داریم. هرچند از کشورهای اروپایی به دلیل اتکا به آمریکا انتقاد می‌کنیم، اما بودجه دفاعی خود آمریکا هم کاهش یافته است؛ از حدود چهار تا پنج درصد تولید ناخالص داخلی در پایان جنگ سرد به حدود سه درصد رسیده و در پایان دولت بایدن حتی کمتر از این میزان بوده است.

اما مشکل بزرگ‌تر، مهمات است. ذخایر ما پیش از این هم به دلیل ۲۵ سال کمبود سرمایه‌گذاری کافی نبود. اکنون نیز به واسطه حمایت از اوکراین و عملیات مرتبط با ایران، این ذخایر به شدت تحت فشار قرار گرفته‌اند. این موضوع در صورت وقوع چند جنگ هم‌زمان، چالش بسیار جدی‌تری ایجاد می‌کند.

پژوهش شما نشان می‌دهد قطعات ریزالکترونیکی چینی هم در تولید موشک‌های ایران نقش دارند و هم در برنامه‌های تسلیحاتی روسیه. مقام‌های آمریکایی معمولاً تحریم‌ها را مهم‌ترین ابزار مقابله می‌دانند. وقتی چین پشتوانه فناوری و اقتصادی این محور است، آیا تحریم‌ها واقعاً می‌توانند مؤثر باشند؟

یکی از مشکلات در حوزه ریزالکترونیک این است که بسیاری از این قطعات کاربرد دوگانه دارند؛ یعنی ممکن است برای یک استفاده کاملاً غیرنظامی به چین صادر شوند، اما بعد برای مصارف نظامی تغییر کاربری داده شده و در نهایت به روسیه منتقل شوند. به همین دلیل، اجرای مؤثر تحریم‌ها بسیار دشوار است.

علاوه بر این، اجرای تحریم‌های مربوط به صادرات نفت ایران و روسیه نیز در بسیاری از موارد ضعیف بوده یا اساساً نادیده گرفته شده است.

اکنون درباره طرح‌های قانونی جدید، از جمله طرح لیزدزی گراهام، برای افزایش فشار بر روسیه صحبت می‌شود. اما واقعیت این است که دولت همین حالا هم بسیاری از اختیارات لازم را در اختیار دارد. مشکل این است که یا این اختیارات را به درستی اجرا نمی‌کنیم یا معافیت‌هایی بیش از حد گسترده صادر می‌شود.

واشینگتن در حال بررسی امکان مذاکره با تهران است، اما شما نسبت به شتاب‌زدگی در این مذاکرات هشدار داده‌اید. اگر توافقی حاصل شود که نتواند زیرساخت‌های نظامی ایران و شبکه نیروهای نیابتی آن را برچیند، بزرگ‌ترین خطر راهبردی چه خواهد بود؟

سخت است که فقط یک اولویت را مشخص کنیم. بدیهی است که نباید اجازه داد ایران به سلاح هسته‌ای یا موشک‌های بالستیکی که توان حمل چنین سلاحی را دارند، دست پیدا کند.

خبر خوب این است که برنامه هسته‌ای ایران در نتیجه مجموعه حملات هوایی یک سال و نیم گذشته، بین پنج تا ۱۰ سال عقب افتاده است. تأسیسات آسیب جدی دیده‌اند، شماری از مهندسان کشته شده‌اند و برنامه تولید موشک نیز با عقب‌گرد قابل توجهی روبه‌رو شده است. هرچند ایران می‌تواند بخشی از این کمبودها را از طریق واردات از روسیه یا چین جبران کند، اما این کار اکنون بسیار دشوارتر شده است.

موضوع مهم دیگر، تنگه هرمز است. موقعیت جغرافیایی ایران اهرم فشار قابل توجهی به این کشور در مورد این آبراه داده است. عمان نیز از نظر جغرافیایی همین مزیت را دارد، اما به حقوق بین‌الملل احترام می‌گذارد؛ ایران چنین نمی‌کند.

مذاکره با ایران دشوار است، زیرا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌تواند هزینه‌های بسیار سنگینی را بر مردم ایران تحمیل کند، بی‌آن‌که خودش همان هزینه‌ها را بپردازد.

شما اخیراً از خطوط مقدم جنگ در اوکراین بازدید کرده‌اید. آیا این جنگ اکنون به آزمایشگاهی عملیاتی تبدیل شده که این محور اقتدارگرا در آن شیوه‌های جنگ آینده را آزمون و تکمیل می‌کند؟

بله؛ برای هر دو طرف همین‌طور است. اوکراین برای آمریکا، برای کل غرب و همچنین برای روسیه به یک آزمایشگاه تبدیل شده است. تفاوت این‌جاست که آمریکا از این فرصت به‌طور کامل استفاده نمی‌کند.

حضور نظامی آمریکا در اوکراین بسیار محدود و عمدتاً در چارچوب فعالیت‌های سفارت است. ما نیروهای کافی برای یادگیری مستقیم از میدان نبرد در اختیار نداریم. در مقابل، روسیه با سرعت این تجربه‌ها را در اختیار چین، کره شمالی و ایران قرار می‌دهد.

کره شمالی نیز به‌طور مستقیم در حال کسب این تجربه است. این کشور ابتدا ۱۲ هزار سرباز اعزام کرد و اکنون گزارش‌هایی منتشر شده که شمار نیروهای کره شمالی در کنار ارتش روسیه را تا ۳۰ هزار نفر برآورد می‌کند. این نیروها از نزدیک تجربه جنگی را به دست می‌آورند که بر تطبیق سریع با شرایط میدان نبرد استوار است و تجربه عملی به دست می‌آورند.

با توجه به این‌که روسیه و ایران اطلاعات مربوط به هدف‌گیری و تجربه‌های میدان نبرد را با یکدیگر مبادله می‌کنند، این چرخه انتقال تجربه تا چه اندازه توانایی دشمنان آمریکا را برای مقابله با تسلیحات و دکترین نظامی ایالات متحده افزایش داده است؟

در این‌جا دو روند متفاوت در جریان است.

نخست این‌که روسیه با سرعت بسیار زیادی در میدان جنگ در حال فراگیری است. این کشور به‌سرعت خود را با شرایط تطبیق می‌دهد و سپس این تجربه‌ها را به دیگر اعضای این محور منتقل می‌کند. این روند در درجه نخست توانمندی خود روسیه را افزایش می‌دهد، اما به‌مرور زمان سایر کشورها را نیز تقویت می‌کند.

روند دوم، امتیازهایی است که روسیه در ازای این حمایت‌ها به متحدانش می‌دهد. ایران اطلاعات مربوط به هدف‌گیری نیروهای آمریکایی در خاورمیانه را دریافت می‌کند.

کره شمالی نیز کمک‌های مرتبط با فناوری فضایی دریافت می‌کند که مستقیماً در توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، با قابلیت رسیدن به خاک آمریکا در آینده، به کار می‌آید. کره شمالی پیش‌تر فناوری موشکی خود را با ایران به اشتراک گذاشته و ممکن است دوباره چنین کاری انجام دهد.

احتمالاً چین بیشترین سود را از این همکاری می‌برد. گزارش‌ها حاکی از آن است که روسیه فناوری کاهش صدای زیردریایی‌ها را در اختیار چین قرار می‌دهد؛ فناوری‌ای که یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظامی چین در برابر آمریکا را برطرف می‌کند.

همچنین گفته می‌شود روسیه فناوری و آموزش لازم برای اجرای عملیات گسترده هلی‌برن را نیز در اختیار چین قرار می‌دهد؛ عملیاتی که می‌تواند در صورت حمله احتمالی به تایوان نقش مهمی ایفا کند.

این‌ها انتقال‌های بسیار مهمی از توانمندی‌های نظامی هستند؛ فناوری‌هایی که روسیه پیش‌تر هرگز حاضر نبود در اختیار دیگران بگذارد. اکنون اما این‌ها بخشی از بهایی است که مسکو برای دریافت حمایت در جنگ اوکراین می‌پردازد.

به نظر شما، مهم‌ترین اصلاح ساختاری که ارتش آمریکا باید در دهه آینده برای بازداشتن این محور اقتدارگرا، که روزه‌روز نیز هماهنگ‌تر می‌شود، انجام دهد چیست؟

مهم‌ترین تغییر ساختاری باید در نظام تأمین و خرید تجهیزات دفاعی انجام شود؛ یعنی آمریکا باید ریسک بیشتری را بپذیرد تا بتواند بسیار سریع‌تر عمل کند.

طی چند دهه گذشته، آمریکا این امکان را داشت که با فرایندی بسیار طولانی و محتاطانه پیش برود، زیرا هیچ کشوری توان رقابت جدی با ما را نداشت. ما ۱۵ سال صرف طراحی و ساخت یک ناو می‌کردیم و ۱۰ سال برای طراحی و وارد کردن یک هواپیمای جدید به خدمت زمان می‌گذاشتیم. این زمان‌بندی‌ها باید به شکل چشمگیری کوتاه شوند.

وقتی صحبت از پهپادها، سامانه‌های مقابله با پهپاد یا مهمات است، فرایند تأمین باید در مقیاس چند ماه انجام شود، نه چند سال. حتی درباره سامانه‌های بزرگی مانند ناوها و هواپیماها نیز توسعه باید در مقیاس چند سال باشد، نه چند دهه. در نهایت، موفقیت به اصلاح نظام خرید تجهیزات و ایجاد سرعت و چابکی لازم برای رقابت با رقبای ما بستگی خواهد داشت.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

ایران